

A Comparative Study of the Fight Against Colonialism in Iran and Cuba

Alireza Baba'ei ¹

Visiting Lecturer at Higher Education Complex for Language, Literature and Culturology

Seyed Hossein Sajed ²

PhD in Management, Jurisprudence and Principles; Head of the Higher Education Complex for Language, Literature and Culturology

Received: 2024/03/03 | Accepted: 2024/04/06

Abstract

The twentieth century has been the stage for the formation of various political and social transformations in various countries, and the emergence of numerous revolutions can be considered as prominent examples of this transformation. Some of these revolutions were not only effective in domestic and national measurements, but also profoundly changed global politics and the geographical order of the world. The Cuban Revolution in 1957, led by Fidel Castro, and the Islamic Revolution in Iran in 1978, led by Imam Khomeini, are two important revolutions in this century. Since these two revolutions emerged from popular uprisings and led to the overthrow of the ruling regime and a change in the status quo, they have similarities and, of course, differences with each other; hence, examining the causes and nature of these two political and social revolutions in the twentieth century has been one of the topics worth considering that has attracted the attention of researchers and enthusiasts. The present article explores the similarities and differences between these two revolutions using a descriptive-analytical method and reliable library resources and computer software. The aim of this research is to create a correct understanding and analysis of the issues of the two revolutions for scientists, politicians and decision-makers and to prevent strategic errors when comparing the two revolutions. The anti-colonial movement, the anti-dictatorship ideal, the confrontation of the United States of America are among the similarities between the two revolutions and the causes of their occurrence, ideology, leadership personality, independence and reliance on popular power or external factors, the level of public presence, recklessness or fear of confronting the colonial policies of the United States of America and the extent of the revolution's effects in the world are among its important differences.

Keywords: Colonialism, Revolution, Iran, Cuba, America, Fidel Castro, Imam Khomeini.

1. E-mail: a.babaei.pr@miu.ac.ir

2. E-mail: samir201333@yahoo.com



مطالعه تطبیقی مبارزه با استعمار در ایران و کوبا

علیرضا بابایی^۱

استاد همکار گروه ادبیات عربی، مجتمع آموزش عالی زبان، ادبیات و فرهنگ شناسی، جامعه المصطفی العالمیه

سید حسین ساجد^۲

دکتری مدیریت - فقه و اصول؛ رئیس مجتمع آموزش عالی زبان، ادبیات و فرهنگ شناسی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۳ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۱۸

چکیده

قرن بیستم بستر شکل گیری دگردیسی های سیاسی اجتماعی مختلف در کشورهای گوناگون است که پیدایش انقلاب های متعدد را می توان از نمونه های شاخص این دگردیسی دانست. برخی از این انقلاب ها نه تنها در سنجش داخلی و ملی کارساز بودند، بلکه سیاست جهانی و نظم جغرافیایی پهنه گیتی را نیز دستخوش دگرگونی های عمیقی کردند. انقلاب کوبا در سال ۱۹۵۷ میلادی به رهبری فیدل کاسترو و انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ شمسی به رهبری امام خمینی دو انقلاب مهم در این قرن است. این دو انقلاب از آنجا که برآمده از خیزش های مردمی بوده و سرنگونی رژیم حاکم و تغییر وضع موجود را در پی داشته است، دارای شباهت ها و البته تفاوت هایی با یکدیگر هستند؛ از این رو، بررسی علل وقوع و ماهیت این دو انقلاب سیاسی اجتماعی در قرن بیستم یکی از مباحث نگریستنی بوده که ذهن پژوهشگران و علاقه مندان را به خود جلب کرده است. مقاله حاضر به روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع معتبر کتابخانه ای و نرم افزارهای رایانه ای

1. E-mail: a.babaei.pr@miu.ac.ir

2. E-mail: samir201333@yahoo.com

به کاوش در شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو انقلاب پرداخته است. هدف از این پژوهش ایجاد درک و تحلیل صحیح از مسائل دو انقلاب برای دانشمندان، سیاستمداران و تصمیم‌گیران و جلوگیری از خطای راهبردی به هنگام مقایسه دو انقلاب است. جنبش ضد استعماری، آرمان ضد دیکتاتوری، مقابله ایالت متحده آمریکا از جمله شباهت‌های دو انقلاب و علل وقوع، ایدئولوژی، شخصیت رهبری، استقلال و اتکاء به نیروی مردمی یا عوامل خارجی، میزان حضور مردم، بی‌پروایی یا ترس از مقابله با سیاست‌های استعماری ایالت متحده آمریکا و سطح گستره تأثیرات انقلاب در جهان از جمله تفاوت‌های مهم آن است.

واژگان کلیدی

استعمار، انقلاب، ایران، کوبا، آمریکا، فیدل کاسترو، امام خمینی.

مقدمه

رشد و آگاهی افکار عمومی جهان در رویارویی با سیاست‌های استثماری، نظام سلطه به ویژه آمریکا را در کاربست پروژه‌های استعماری در پنج قاره جهان با چالش‌های جدی روبرو کرده است. نبرد با استعمار یکی از مهمترین و پر ارزش‌ترین کنشگری‌هایی است که در تاریخ بسیاری از کشورها صورت گرفته است. این مبارزه‌ها بیشتر به هدف حفظ استقلال، خودمختاری و جلوگیری از چیرگی ستیزجویانه امپریالیست‌ها بر کشورها انجام شده است.

بزرگ‌ترین و مهم‌ترین انقلاب سیاسی اجتماعی پیش از قرن بیستم، به سال ۱۷۸۹م (۱۱۶۸ش) در فرانسه تحت عنوان انقلاب کبیر فرانسه به وقوع پیوست. این انقلاب، خروج مردمی بود که برای اولین بار به حاکمیت موروثی و اشرافی خاندان‌های فئودالی و حاکم بر جامعه فرانسه خاتمه دادند و نظم اجتماعی کهنی را که قرن‌ها مبتنی بر اراده پادشاه و سلطه مطلق او بر زندگی مردم فرانسه استوار شده بود درهم

شکستند. شکسته شدن این نظم کهن، از یک سو گرایش به سوی انقلاب‌های اجتماعی را در سایر اجتماعات انسانی تقویت کرد و از سوی دیگر، پیدایش عصر تازه‌ای را در زندگی بشر رقم زد و موجد تحولات بزرگ فکری و اجتماعی در قرون بعد شد (علیزاده سوده، فرشته، ۱۳۸۹: ص ۳۸). به ویژه در قرن بیستم که به حق می‌توان آن را «قرن انقلاب‌ها» نامید. در این سده، اقصی نقاط جهان شاهد تحولات سیاسی اجتماعی متعددی بود که تحولاتی بنیادین را در ساختار سیاسی و ژئوپلیتیکی کشورها به ارمغان آورد.

تاریخ معاصر ایران نشان می‌دهد که مبارزات با استعمار و امپریالیسم به عنوان یک بخش بسیار مهم و پراهمیت از تجربه‌ی این کشور به شمار می‌آید. این مبارزات، که جزء مبارزات مردم ایران برای حفظ استقلال، خودمختاری و حکومت مشروع محسوب می‌شوند، تاریخچه‌ای پرماجرا و برجسته را در تاریخ معاصر این سرزمین به جا گذاشته‌اند. از بین مبارزات متعدد این کشور، آنچه اهمیت داشته و موضوع مطالعه قرار گرفته است، انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ هجری شمسی به رهبری امام خمینی است. اکنون، نام و شهرت انقلاب اسلامی به علت برخورد با نظریات و سیاست‌های نظام حاکم، ناشی از ایدئولوژی‌ها و اندیشه‌های آزاداندیشانه و دین‌داری است، که به بررسی جدی و نقد عمیق نظریات و سیاست‌های نظام حاکم منجر شده است. این الگو، اگرچه در بسیاری از جنبش‌های منطقه‌ای مورد استفاده قرار گرفته و مبارزان را به سوی رویکردهای ضداستعماری هدایت کرده است، اما ارزیابی مبارزات ضداستعماری گذشته و مقایسه آن با انقلاب اسلامی نیز از اهمیت فراوانی برخوردار است. یکی از مهم‌ترین مراحل مبارزه با امپریالیسم در قرن بیستم، در کشور کوبا رخ داده است. این انقلاب در سال ۱۹۵۹ میلادی تحت رهبری فیدل کاسترو اتفاق افتاد و به سرنگونی حکومت دیکتاتوری باتیستا و برقراری نظام جمهوری اشتراکی انجامید. این انقلاب به یکی از نمونه‌های برجسته‌ی



مبارزه با امپریالیسم در آمریکای لاتین تبدیل شد و نقش مهمی در تحولات منطقه‌ای و جهانی ایفا کرد. این مقاله در صدد است تا به روش توصیفی و تحلیلی به مطالعه تطبیقی و بیان شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو انقلاب پرداخته تا در خلال آن به اهدافی نظیر فهم عمیق‌تر، شناخت الگوها و ارتباطات، پیش‌بینی و تجزیه و تحلیل بهتر، تعیین راهبردها، دست یابد.

مفاهیم پژوهش

۱. استعمار

استعمار یک واژه عربی از ماده «عمران» و هیئت «استفعال» به معنای آباد کردن است (فراهیدی، خلیل، ۱۴۰۹: ۱۳۷/۲). در گذشته استعمار به معنای مهاجرت کشورهای متمدن به سرزمین‌های خالی از سکنه به منظور عمران آن سرزمین است. اما اکنون استعمار به معنای نفوذ و دخالت کشورهای زورمند در کشورهای ناتوان به بهانه آبادی و سازندگی و به هدف تاراج بردن دارایی آن‌ها است. استعمار به معنای تسلط و تصرف یک کشور یا منطقه توسط یک کشور یا امپراتوری دیگر است. این تسلط ممکن است در ابعاد مختلفی نظیر اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی باشد و بیشتر همراه با بهره‌برداری از منابع طبیعی و انسانی کشور مورد تسلط اتفاق می‌افتد. استعمار بیشتر به سوءاستفاده، ستم و ظلم، فقر، عدم توسعه و ناپایداری اقتصادی و اجتماعی در کشورهای تحت تصرف کشیده می‌شود. در این میان، مردم به رهبری سردمداران خود به هدف مقاومت در برابر استعمار، جنبش‌های ملی‌گراهی را تشکیل داده و به دنبال انقلاب و استقلال کشور از تحکم استعمارگران هستند (رهنما، مجید، ۱۳۵۰: ص ۱۵).

۲. کوبا و مبارزات ضد امپریالیسم در آن

کوبا یک کشور جزیره‌ای در دریای کارائیب با مساحت کلی ۱۱۰،۸۶۰ کیلومتر مربع است که شامل خشکی‌ها، آب‌های ساحلی و سرزمینی می‌شود. این کشور با

این مساحت، هشتمین کشور جزیره‌ای بزرگ در جهان است. جزیره اصلی کوبا دارای ۵۰۷۴۶ کیلومتر خط ساحلی و ۲۸۰۵ کیلومتر مرز زمینی است. تنها مرز زمینی کوبا در خلیج گوانتانامو قرار دارد، جایی که پایگاه دریایی گوانتانامو نیروی دریایی ایالات متحده واقع شده است. کوبا به لحاظ جغرافیا، در غرب اقیانوس اطلس شمالی، شرق خلیج مکزیک، جنوب تنگه فلوریدا، شمال غرب آبراهه بادگیر و شمال شرقی تنگه یوکاتان قرار دارد. هاوانا بزرگترین شهر کوبا و پایتخت آن است. شهرهای بزرگ دیگر آن شامل سانتیاگو د کوبا و کاماگوی است. از شهرهای کوچکتر معروف می‌توان باراکوآ را نام برد.

مبارزات ضداستعماری در کوبا نقش مهمی در تاریخ این کشور داشته‌اند. نخستین مبارزات در قرن‌های ۱۸ و ۱۹ میلادی بوده که بر ضد استعمارگران اسپانیایی به ویژه در زمان زندگی جوزه مارتی مبارزه می‌کردند. پس از آن، در دهه‌های بعدی مبارزات برای استقلال از نفوذهای خارجی ادامه داشت. اما مبارزات برجسته‌تری در دهه ۱۹۵۰ به رهبری فیدل کاسترو و اعضای حزب ۲۶ یولیو آغاز شد که در نهایت منجر به انقلاب کوبا در سال ۱۹۵۹ شد. این انقلاب سرانجام به سرنگونی حکومت دیکتاتوری باتیستا و برقراری نظام جمهوری اشتراکی در کوبا انجامید (افضلی، رسول و همکاران، ۱۴۰۰: ص ۵).

۳. ایران و مبارزات ضد استعماری در آن

ایران یک کشور در جنوب غرب آسیا واقع شده و مرکز آن در جلوه‌ای تاریخی و فرهنگی غنی است. با مرکزیت شهر تهران، این کشور با مساحتی حدود ۱'۶۴۵'۵۹۵ کیلومتر مربع و جمعیتی در حدود ۸۰ میلیون نفر، یکی از بزرگترین کشورهای جهان است. ایران یکی از قدیمی‌ترین تمدن‌های جهان را به خود اختصاص داده است و به عنوان جایی با تاریخی چند هزار ساله مطرح است. این کشور دارای فرهنگی چند جانبه و متنوع است که شامل ادبیات، هنر، معماری، موسیقی، و تمدن‌های باستانی



مانند تخت جمشید و پاسارگاد می‌شود. همچنین ایران دارای منابع طبیعی غنی از جمله نفت، گاز، معادن مختلف و آب و هوای گوناگون است که به اقتصاد این کشور اهمیت ویژه‌ای می‌بخشد. سیاست خارجی ایران نیز در حوزه‌های مختلف از جمله منطقه‌ای و بین‌المللی نقش مهمی را ایفا می‌کند. همچنین ایران یکی از کشورهای پیشرو در زمینه پژوهش و فناوری در منطقه و جهان محسوب می‌شود. با وجود چالش‌های مختلفی که این کشور رو به رو است، مردم ایران با فرهنگ پویا و مقاوم، تلاش می‌کنند تا توسعه و پیشرفت را در همه زمینه‌ها به دست آورند. اسلام در ایران از سده هفتم میلادی وارد شد. ورود اسلام به این منطقه به صورت تدریجی اتفاق افتاد و تا دوره‌های مختلف تاریخی، گسترش یافت. این فرآیند توسط مسلمانان عرب در زمان حکومت اموی و عباسی آغاز شد و پس از آن به ویژه در دوران سلجوقیان و صفویان، بخصوص با ظهور دولت صفوی، اسلام به عنوان دین رسمی ایران پذیرفته شد و تاکنون جایگاه بسیار مهمی در فرهنگ و تاریخ این کشور داشته است.

انقلاب اسلامی ایران، یکی از مهم‌ترین و پرتحرک‌ترین رویدادهای تاریخ ایران و جهان معاصر است که در سال ۱۳۵۷ به وقوع پیوست. این انقلاب با پرچمداری رهبری امام خمینی و با حمایت گسترده مردم ایران، منجر به پایان یافتن سلطه غرب به ویژه ایالت متحده آمریکا و سرنگونی حکومت شاهنشاهی محمدرضا پهلوی و برقراری یک نظام جمهوری اسلامی شد. این انقلاب تأثیرات گسترده‌ای در سیاست، اقتصاد، فرهنگ، و اجتماع ایران داشته و تاکنون نقش بسیار مهمی در تاریخ معاصر ایران و نیز در دینامیک‌های سیاسی منطقه و جهانی ایفا کرده است (حشمت زاده، ۱۳۸۳: ص ۷).



شباهت‌های انقلاب اسلامی و انقلاب کوبا

بین انقلاب اسلامی ایران و انقلاب کوبا شباهت‌هایی وجود دارد. این دو انقلاب از جهات مختلف در یک گروه قرار گرفته باشند و طی آن علاوه بر آن که نظام سیاسی پیشین سرنگون شده باشد، تحولاتی بنیادین در آن کشور ناشی از انقلاب به وجود آمده باشد و نقش گروه‌های مردمی در آن تعیین کننده باشد. اما هر کدام دارای شرایط و ویژگی‌های خاص خود هستند. در اینجا به برخی از شباهت‌ها پرداخته می‌شود:

۱. تحرکات ضد استعماری: هر دو انقلاب اسلامی ایران و انقلاب کوبا به عنوان نمونه‌هایی از تحرکات ملی مردمی در جهت مبارزه ضد استعماری در قرن بیستم شناخته می‌شوند.

۲. فشارهای بیگانگان به ویژه ایالات متحده آمریکا: هر دو انقلاب برابری با نفوذ خارجی و تأثیرات آن را تأکید کردند و به دنبال تحقق استقلال و خودمختاری بودند. پس از شروع مبارزات، ایران و کوبا همواره با تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی به رهبری ایالت متحده آمریکا مواجه شده‌اند و با این وجود، همچنان در مسیر مبارزه با امپریالیسم و حفظ استقلال و خودمختاری کشور قرار دارند.

ایالات متحده آمریکا در سیاست خارجی خود، پیوند نزدیکی با رژیم‌های پهلوی (در ایران) و باتیستا (در کوبا) برقرار کرده بود و از آن‌ها آشکارا حمایت می‌کرد و همین امر موجب نارضایتی و بدبینی توده‌های مردم این کشورها نسبت به سیاست‌های مداخله‌جویانه آمریکا شده بود. حتی این مسئله تا آنجا برای مردم دارای اهمیت بود و خشم عمومی را برانگیخته بود که بیرون راندن آمریکا و رفع دخالت‌های سلطه‌طلبانه این کشور، به انگیزه‌ای برای توده‌ها جهت سرنگونی رژیم‌های وابسته به آمریکا مبدل شد.

این تنش‌ها منجر به بسته شدن سفارت آمریکا در تهران، پایتخت ایران، در سال



۱۳۵۸ شمسی و در هاوانا، پایتخت کوبا، در سال ۱۹۶۱ میلادی شد. امری که به «تسخیر لانه جاسوسی» از سوی رهبر هر دو کشور لقب گرفت. این تصمیم به دنبال تدابیر دولت مستقر در ایران و کوبا در مواجهه با تدابیر تحریمی ایالات متحده آمریکا برای لغو انقلاب و تسلط بر منافع آن بود. این رویداد از آن زمان تا به امروز با تحولات مختلف، به خصوص در دوره‌های مختلف ریاست جمهوری آمریکا، تحت تأثیر قرار گرفته و روابط دوجانبه بین این دو کشور را تحت تأثیر قرار داده است.

۳. آرمان‌های ضد دیکتاتوری: هر دو انقلاب بر ضرورت مبارزه با دیکتاتوری و تبعیض اجتماعی تأکید داشتند و به دنبال تحقق ایده‌آل‌های عدالت اجتماعی بودند.

۴. رهبری برای تغییر: هر دو انقلاب با رهبری شخصیت‌های معتبر و ایدئولوژیکی (امام خمینی در ایران و فیدل کاسترو در کوبا) صورت گرفتند که برای تغییرات سیاسی و اجتماعی کلان ایستادگی کردند.

۵. تأثیرات منطقه‌ای و بین‌المللی: هر دو انقلاب به عنوان رویدادهایی با تأثیر گسترده در منطقه‌ای و بین‌المللی معروف هستند و تأثیرات آن‌ها هنوز هم در جهان مشهود است (شفیعی و همکاران، ۱۳۹۰: ص ۶۴۱).

تفاوت انقلاب اسلامی و انقلاب کوبا

هر دو انقلاب به عنوان رویدادهای تاریخی مهم و با تأثیرات بی‌نظیر در جهان شناخته می‌شوند، اما با وجود شباهت‌ها، تفاوت‌های مهمی نیز بین آن‌ها وجود دارد.

۱. علل وقوع دو انقلاب

وقوع انقلاب ایران دارای علل وجودی گوناگونی بود و برخلاف انقلاب‌های دیگر که بیشتر جنبه اقتصادی یا سیاسی داشتند، نمی‌توان تنها یک عامل را به عنوان علت قطعی شکل‌گیری انقلاب اسلامی در نظر گرفت؛ چرا که عوامل گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به صورت توأمان در شکل‌گیری وضعیت انقلابی در

ایران نقش داشته‌اند. با این حال در ادامه به بیان برخی دیدگاه‌ها و نظریه‌ها در مورد علل وقوع انقلاب اسلامی پرداخته خواهد شد.

متفکرین غربی اغلب مسأله مدرنیته را مطرح می‌کنند. اساس این بحث نیز برپایه اصلاحاتی است که رژیم گذشته در ۱۵ سال آخر حکومتش انجام داد، اما آهنگ این اصلاحات بسیار سریع بود و در جامعه‌ای مثل ایران که بخش عمده آن را اقشار سنتی تشکیل می‌دهند، آمادگی لازم برای هضم این تحولات وجود نداشت، در نتیجه جامعه دچار ناهنجاری اجتماعی و سپس ناهنجاری سیاسی شد و لاجرم انقلاب اسلامی را با خود به همراه آورد. نگاهی به تاریخ ایران قبل از انقلاب اسلامی، مبین این واقعیت است که نوع زمامداری حکومت محمدرضا شاه را سیاست‌های مدرنیستی پهلوی سامان داده بود. سیاست‌هایی که مرحله جدیدی از نارضایتی اجتماعی اقتصادی و رفاهی اقشار مختلف جامعه و ادغام اجباری سیاسی آن‌ها را به دنبال داشت؛ عواملی که مردم ایران را از هر طبقه‌ای به ادراک و فهم این نابرابری‌ها، تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌ها سوق داده بود (جوانپور هروی و همکاران، ۱۳۹۹: ص ۲۸).

دیدگاه دیگری مطرح است که اساس و ریشه انقلاب را در مسائل اقتصادی جستجو می‌کند. برطبق این دیدگاه، انقلاب اسلامی ریشه در ناهنجاری‌های اقتصادی دارد که در سال‌های آخر عمر رژیم گذشته بروز کرد. هنگامی که در سال ۱۳۵۲ شمسی جنگ رمضان پیش آمد و به دنبال آن غرب از جانب اعراب مورد تحریم نفتی قرار گرفت، قیمت‌های نفت در بازارهای جهانی بالا رفت و در مدتی کمتر از شش ماه قیمت آن به چهار برابر قیمت اولیه رسید. این تحولات باعث شد که درآمد رژیم شاه از ۵ میلیارد دلار به ۲۰ میلیارد دلار افزایش یابد. مدافعین نظریه «اقتصاد عامل انقلاب» بحث خود را از اینجا شروع می‌کنند که این درآمد هنگفت وارد اقتصاد ایران شد ولی اقتصاد ایران در مجموع ظرفیت و توان ساخت‌وساز لازم را برای جذب این درآمد نداشت و اصطلاحاً داغ کرد که نتیجه‌اش به صورت تورم،



فساد و رشوه‌خواری، گرانی، قطع برق و بیکاری مشاهده شد. افزایش مشکلات اقتصادی و معیشتی در اواخر دوره دولت امیرعباس هویدا و ناکارآمدی کابینه او و نیز سیاست‌های ضدتورمی که دولت جمشید آموزگار اعمال کرد، باعث شد که بحران اقتصادی عمیق‌تر شود، لذا به تدریج این معضل به بحران سیاسی تبدیل و در نهایت منجر به انقلاب شد. این دیدگاه بیشتر در نظر افراد دارای دیدگاه چپ و رادیکال مطرح است (زیباکلام، صادق ۱۳۸۸، صص ۳۱-۳۲). اما باید در نظر داشت که در ایران قبل از انقلاب برخلاف کشورهایی که انقلاب‌های بزرگی چون فرانسه و روسیه در آن به وقوع پیوست، نه تنها از نظر اقتصادی بحران و وخامت جدی اقتصادی که غیرقابل کنترل توسط رژیم حاکم باشد وجود نداشت، بلکه در طول چند ساله قبل از انقلاب به علت افزایش ناگهانی و سریع قیمت نفت، توانایی‌ها و قدرت اقتصادی رژیم شاه به سرعت افزایش پیدا کرده بود (کاظمی، ۱۳۸۸: ص ۲۷).

سومین تفکری که در مورد ریشه انقلاب بیان می‌شود با عنوان «اسلام، عامل انقلاب» مطرح است. این دیدگاه به دنبال مسائل اقتصادی و یا مدرنیته نیست. بلکه مشخصاً در مورد اسلام‌گرایی و اسلام‌خواهی تأکید می‌کند. این دیدگاه می‌گوید یک تحول معنوی نمود یافت که بر اثر آن اقشار مختلف به سمت مذهب رفتند و چون این اقشار رژیم شاه را به عنوان رژیم غیرمذهبی می‌شناختند، خواهان ایجاد ساختار و نظم اسلامی شدند و چون این چارچوب به هیچ شکل نمی‌توانست در رژیم شاه بگنجد، برای همین دست رد به سینه رژیم زدند و آن را ساقط کردند و یک رژیم اسلامی به وجود آوردند.

تفکر چهارم معتقد است که اصولاً نمی‌توان انقلاب اسلامی را جدا از سیر کلی سیاسی و اجتماعی تحولات معاصر ایران دانست. به عبارت دیگر، از یک مقطعی بر علیه سیستم سیاسی حاکم بر ایران مبارزه شروع می‌شود. این مبارزه در مقاطعی مذهبی هستند که در رأس مبارزه با رژیم شاه قرار می‌گیرند و انقلاب اسلامی در

حقیقت دنباله همین مبارزات بوده است. با این تفاوت که در گذشته رهبری این مبارزه در دست جریان‌ات غیرمذهبی بوده اما از نیمه اول دهه پنجاه و به دنبال تحولاتی که چه در خود جامعه صورت می‌گیرد و چه تحولاتی که در زمینه نگرش و تفکر دینی صورت می‌گیرد، جریان‌های دینی هستند که رهبری مبارزه را به دست می‌گیرند و در نتیجه وقتی مبارزه پیروز می‌شود، جریان‌ات مذهبی هستند که ساختار سیاسی بعد از انقلاب را پدید می‌آورند. به سخن دیگر، ریشه انقلاب اسلامی را باید در فقدان مشروعیت و مقبولیت سیاسی رژیم شاه جستجو کرد (زیباکلام، صادق ۱۳۸۸، ص ۳۳).

در مقابل، علت وقوع انقلاب کوبا را می‌توان در اعتراض مردم به وضعیت اسفناک کوبا در امور اقتصادی و بهداشتی و ظلم بیش از حد حکومت باتیستا دنبال کرد. در قرن بیستم زمین‌هایی که طی مبارزات علیه اسپانیا بین خرده مالکین به صورت گسترده تقسیم شده بود، به دلیل توسعه صنعت نیشکر دوباره دست چند نفر متمرکز شد و کوبا تبدیل به جامعه‌ای بی‌ثبات و صدمه‌پذیر با اقتصادی تک‌محصولی متشکل از بازرگانان آمریکایی، فئودال‌های کوبایی و کارگران روزمزد شد. حتی اگر دهقان‌ها حقوق خود بر زمین‌هایشان را اثبات می‌کردند، بازرگانان آمریکایی به آسانی این حق را می‌خریدند و طبقات بالای جامعه کوبا نیز طرفدار بازرگانان آمریکایی بودند؛ به همین دلیل زمین‌های کوبا اغلب و به سرعت به مالکیت آمریکاییان درآمد. سنگینی بار فقر در این جزیره بر دوش کارگران روستایی بود، به طوری که حدود یک میلیون کارگر روستایی زندگی‌شان وابسته به شکر بود و فقط ۱۵ درصد از آن‌ها کار مداوم و سالیانه داشتند (افضلی، رسول و همکاران، ۱۴۰۰: ص ۶).

در واقع هر چند مردم کوبا توانستند از یوغ استعمار اسپانیا رهایی یابند، اما این پایان کار نبود بلکه شروعی بود بر عصری سراسر خفقان، دیکتاتوری و



تمامیت خواهی آمریکا و ایادی محلی آن که در همه حال منافع آمریکا و شرکت‌های سرمایه‌گذاری آمریکا را مقدم بر منافع مردم کوبا می‌دانستند. این زمان، دوران فرمانروایی دیکتاتور کوبا یعنی فولخنسیو باتیستا بود؛ در این دوره با تشدید ظلم‌های باتیستا به مردم و حمایت آمریکا از او، گروهی از همان ابتدا به مخالفت با ظلم‌های او به شکل سازمان نیافته پرداختند و عرصه را بر او تنگ کردند (شفیعی و همکاران، ۱۳۹۰: ص ۶۴۳).

تحولات تاریخی و وضعیت زندگی غم‌انگیز مردم کوبا، سابقه‌ای پررنگ و پیچیده دارد که از دوران حکومت باتیستا شروع شده و تا قبل از آن هم ادامه داشته است. در همین زمان، با انقلاب اکتبر در روسیه و انقلاب چین، نظریات کمونیستی گسترش یافته و تأثیر آن بر جوامع مختلف جهان رو به افزایش بود. این ایدئولوژی‌ها به طور کامل به جامعه کوبا نیز نفوذ پیدا کردند، زیرا برخی تئوریست‌ها و روشنفکران کوبایی آنها را ترویج کرده و به این کشور وارد کرده بودند. در آن دوران، وضعیت بهداشتی کوبا بسیار نگران‌کننده بود؛ فقر و بی‌سوادی مردم این کشور را فراگرفته بود و در عین حال، حکومت باتیستا با ظلم و ستم بسیاری از مردم روبرو بود. از سوی دیگر، دخالت‌های مکرر کشور آمریکا در امور داخلی کوبا، از جمله نگرانی‌های رشد کمونیسم در این کشور بوده است. این دخالت‌ها همچنین به خطر افتادن سرمایه‌گذاری‌های آمریکا در این منطقه اشاره دارد. در نتیجه، اندیشه‌های کمونیستی به تدریج در جامعه کوبا رشد کرده و با توجه به دلایل فوق، طرفداران زیادی پیدا کرده بودند (افضلی، رسول و همکاران، ۱۴۰۰: ص ۷).

۲. ایدئولوژی دو انقلاب

انقلاب اسلامی ایران بر پایه ایدئولوژی اسلامی و تأکید بر اصول دینی برگزار شد. اصول اصلی این انقلاب شامل ایمان به یگانگی خداوند متعال، حقانیت دین مبین اسلام و مذهب تشیع، باورمندی به عدل الهی و عدالت اجتماعی، مبارزه با فساد و

ظلم، استقلال ملی، خودکفایی اقتصادی، و تحقق آرمان‌های اسلامی در انواع مختلف زندگی بود. علت این پایه گذاری را در قدرت دین باید جستجو کرد. دین، به عنوان یک قدرت بسیج گر، نقش مهمی در حرکت‌های تاریخی، چه در دوران میانه و چه در دوران معاصر، ایفا کرده است. این توانایی و استعداد، قبل از ظهور دوران جدید و پدید آمدن انگیزه‌ها و شرایط جدید برای خیزش‌های عمومی، به طور مشخص در اختیار ادیان بود. اما در دوران جدید و در عصری که نقش و اهمیت اجتماعی دین نسبت به گذشته کاهش یافته و جریان‌های دیگری با اندیشه‌های گوناگون در جایگاه آن قرار گرفته‌اند، ادیان همچنان یکی از قدرتمندترین جریان‌های بسیج گر اجتماعی باقی مانده‌اند، به ویژه ادیانی که دارای جهت گیری‌های اجتماعی مؤثر هستند (شجاعی زند، علیرضا، ۱۳۸۳: ص ۴۴)

با آمدن به قدرت محمدرضا شاه، یک دوره جدید از تحولات اجتماعی در تاریخ معاصر ایران آغاز شد. در این دوره، الگوی نوسازی تحت حکومت محمدرضا شاه، بر پایه اصول ملی گرایی، سکولاریسم، و حکومتی بدون تأثیر مذهب، شکل گرفت. می توان ادعا کرد که ویژگی اصلی سیاست‌های اصلاحی و حکومتی که شاه ارائه می داد، تلاش برای ارتقاء مدرنیته بود که باعث ایجاد شکاف بین دولت و مردم گردید. یکی از مواردی که سبب تشدید سیاست مداری در جامعه شد، اقدامات غیردینی دولت پهلوی بودند (جوانپور هروی و همکاران، ۱۳۹۹: ص ۳۸).

فرهنگ سیاسی شیعه، که نمایانگر نگرش شیعه امامیه نسبت به قدرت و سیاست است، تحت تأثیر مبادی نظری، عقاید، باورها، و سنت‌های شیعه قرار دارد. این مبانی در طول تاریخ، تحولات سیاسی و اجتماعی مهمی را تجربه کرده و الگوهایی را برای پذیرش یا رد حکومت‌ها ارائه کرده‌اند. از جمله این مفاهیم می توان به اصل امامت، انتظار و غیبت، شهادت، تقیه، و غیره اشاره کرد. به همراه این مفاهیم، نمادهایی نظیر عاشورا نیز در فرهنگ سیاسی شیعه وجود دارند که قدرت بالقوه‌ای



در تحریک و موبایل سازی مردم و تقویت اراده مبارزه و انقلابیگری دارند. علاوه بر این، استفاده از شعارها و عباراتی که مفاهیم عاشورا را به خود جلب کرده‌اند، و نیز برگزاری مراسم‌های عزاداری و سخنرانی‌هایی که در آنها این مفاهیم مطرح می‌شوند، محیطی را برای موبایل سازی مردم و ترویج اراده مبارزه‌ای ایجاد کرده‌اند (هراتی، محمدجواد و همکاران، ۱۳۹۱: ص ۲۰۰).

اما انقلاب کوبا بیشتر بر پایه ایدئولوژی کمونیسم بنا شد. مکتب کمونیست یک جریان ایدئولوژیک است که بر اساس اصول مارکسیسم و لنینیسم ساخته شده است. ایدئولوژی مارکسیسم-لنینیسم به عنوان نظریه‌ای سیاسی و اجتماعی، بر اساس افکار کارل مارکس و فردریش انگلس استوار است که بدون ایمان به خداوند و غیب و بدون توجه به معاد، تنها تأکید بر عدالت اجتماعی، مساوات بین افراد و سرمایه‌داری و طبقه‌بندی اجتماعی بر اساس تفاوت‌های اقتصادی دارد. این ایدئولوژی معتقد است که در جامعه کلاسی وجود طبقات اجتماعی باعث بروز نابرابری و ناتوانی افراد در دستیابی به منابع و امکانات می‌شود.

مکتب کمونیست به عنوان یکی از مهمترین جریان‌های ایدئولوژیک و سیاسی در قرن بیستم تأثیر به‌سزایی در روند تاریخی جهانی داشته است و در بسیاری از کشورها و حتی در حکومت‌هایی مانند شوروی، چین، کوبا، و دیگر کشورها به شکل حکومت‌های کمونیستی عمل کرده است.

اما باید دانست که مکتب کمونیست به عنوان یک ایدئولوژی و جنبش سیاسی-اقتصادی در بسیاری از کشورها و به ویژه در دهه‌های اخیر قرن بیستم با شکست مواجه شد. این شکست به شکل‌گیری جوامع کپیتالیست در بسیاری از کشورها و عدم موفقیت حکومت‌های کمونیست در تأمین نیازها و آرمان‌های اجتماعی بهتر، توسعه اقتصادی، و حفظ حقوق بشر باز می‌گردد (شفیعی و همکاران، ۱۳۹۰: ص

دلایل اصلی شکست مکتب کمونیست عبارتند از:

أ. ناتوانی در مدیریت اقتصاد: برخی از حکومت‌های کمونیست به دلیل تمرکز بر اقتصاد دولتی و نداشتن سیستم‌های اقتصادی مؤثر و کارآمد، با مشکلاتی همچون تورم، کمبود کالاها، و رکود اقتصادی مواجه شدند.

ب. کنترل سیاسی و توجه به حقوق بشر: حکومت‌های کمونیست معمولاً به شدت کنترلی بودند و حقوق شهروندان در بسیاری از موارد نادیده گرفته می‌شد. این باعث ایجاد ناامنی اجتماعی و اعتراضات علیه نظام می‌شد.

ج. رقابت با جهان غرب: مسائلی همچون جنگ سرد و رقابت با ایالات متحده آمریکا و کشورهای غربی، بارزترین چالش‌های حکومت‌های کمونیست را شکل داد. تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی به این حکومت‌ها نیز افزوده شد.

د. عدم پذیرش عمومیت ایدئولوژی: عدم پذیرش عمومیت ایدئولوژی کمونیست در بسیاری از جوامع و تضادهای فرهنگی و مذهبی میان مردم، باعث شکست آن شده است.

به عنوان نمونه‌هایی از شکست مکتب کمونیست، می‌توان به فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق در سال ۱۹۹۱ میلادی و انهدام جمهوری کمونیست چین اشاره کرد. این رویدادها نشان‌دهنده شکست ایده‌ها و سیاست‌های کمونیستی در مقابل چالش‌های اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی بوده است (افضلی، رسول و همکاران، ۱۴۰۰: ص ۷).

بنابراین یکی از تفاوت‌های انقلاب اسلامی ایران با انقلاب کوبا، تأکید بر معنویت و ارزش‌های برآمده از دین اسلام بود. این انقلاب با توجه به قدرت فرهنگی متأثر از اسلام و با باززایی ارزش‌های اسلامی در شرایط داخلی و بین‌المللی خاص، با بسیج گسترده‌ای از مردم به پیروزی رسید (جوآنیور هروی و همکاران، همان، ص ۲۷). بدون تردید در کنار عوامل دیگر سیاسی و اقتصادی که منجر به



نارضایتی مردم از حکومت پهلوی شده بود، تفکر در مورد ایجاد یک حکومت اسلامی تمام عیار که در آن قوانین دینی و شریعت اسلام پی ریزی شود، مردم ایران را به سوی یک انقلاب اسلامی سوق می داد. به عبارتی دیگر، هر چند که اختناق، فشار سیاسی، سرکوب، ظلم و استبداد؛ نارضایتی ها و اعتراضات مردم را به طور روزافزون بیشتر می کرد اما وجود یک آلترناتیو و رهبری واحدی که هیچ فرد یا گروه دیگری یارای رقابت با او را نداشت، سبب شد که اکثریت مردم یک صدا خواهان ایجاد حکومت جمهوری اسلامی در ایران شوند (افضلی، رسول و همکاران، ۱۴۰۰: ص ۱۰).

۳. شخصیت رهبری

در دوران قرن بیستم، هیچ انقلابی بدون حضور یک یا چند رهبر قابل تصور نبود. در مواجهه با شرایط انقلابی، رهبران نقش بسیار حیاتی و حساسی در الهام بخشی و رهبری حرکت به سوی تحقق و تثبیت تغییرات انقلابی داشتند. حضور یک رهبر محبوب و مورد اعتماد، که بتواند آرزوها و امیدهای جامعه ی ناراضی را به خود جلب کرده و آنان را به حمایت ویژه و وفاداری از جنبش انقلابی ترغیب کند، نقش بسیار مهمی در موفقیت و پیشرفت این جنبش ها داشت (محمدی و همکاران، ۱۳۷۹: ص ۷۰).

انقلاب اسلامی ایران با رهبری امام خمینی صورت گرفت. امام خمینی یکی از شخصیت های برجسته ی تاریخ ایران و اسلام است. او در ۲۲ بهمن ۱۳۲۰ شمسی در شهر خمین در استان مرکزی ایران به دنیا آمد. امام خمینی به عنوان رهبر و معارض حاکمیت شاهنشاهی در ایران، نقش بسیار مهمی در انقلاب اسلامی ایران ایفا کرد. با جرأت می توان اظهار کرد که در دوران سلطنت پهلوی دوم، به جز امام خمینی (ره)، هیچ رهبر دیگری وجود نداشت که بتواند با قدرت و تأثیر خود، توده های جامعه را به سوی اهداف و خواسته هایش سوق دهد.

وی در طول دوران فعالیت‌های انقلابی خود، با بیان ایده‌های اسلامی و حضور موثر در میان مردم، توانست حمایت گسترده‌ای را برای انقلاب جلب کند. او در زمینه‌های مختلف از جمله سیاست، اقتصاد، فرهنگ، و اجتماعی تلاش کرد تا مبانی و اصول جمهوری اسلامی را بنیان نهاد. امام خمینی، عالمی برجسته و حکیمی بود که در زمینه‌های فقه، اصول، فلسفه و ادبیات عربی مسلط بود. او آثار متعددی در زمینه‌های مختلف دینی و علمی برجای گذاشته است که تاکنون مورد بررسی و بحث قرار گرفته‌اند. امام خمینی به عنوان مؤسس جمهوری اسلامی ایران نیز نقش مهمی در ارتقای سطح دانش و فهم اسلامی در جامعه داشته است.

رهبر دینی که هم نقش سیاسی و حکومتی را بر عهده می‌گیرد، به واقعیت کم‌نظیری تبدیل می‌شود و در دوران مدرن، که با کاهش نقش و اهمیت دین در زندگی سیاسی و اجتماعی جوامع همراه بوده، تقریباً بی‌نظیر است. به عبارت دیگر، اگر بتوان برای رهبران دینی در مواقع اعتراض علیه سیاست‌ها و قدرت‌های سیاسی حاکم، مثال‌هایی پیدا کرد؛ آن‌ها را در مناصب رسمی حکومت نمی‌توان یافت. این پدیده بی‌نظیر و نادر، توانسته است در ایران و در منطقه‌ای پرتلاطم به شکلی بی‌نظیر ظاهر شود و نزدیک به نیم قرن ادامه یابد، حتی در شرایطی که بخش قابل توجهی از عوامل خارجی علیه آن مخالفت و اقدام کرده‌اند (شجاعی‌زند، ۱۳۹۸: ص ۱۰۰).

مشخصات رهبر انقلاب اسلامی به شرح زیر بوده است: ۱. ایدئولوگ انقلاب یا بنیانگذار مکتب فکری و طراح ایدئولوژی انقلاب. ۲. رهبر انقلاب یا قهرمان و فرمانده کل عملیات انقلاب. ۳. زمامدار حکومت انقلابی یا سیاستمدار و یا در واقع معمار جامعه بعد از پیروزی انقلاب (محمدی و همکاران، ۱۳۷۹: ص ۷۰).

نقش امام خمینی (ره) به عنوان رهبر انقلاب اسلامی شامل سه بُعد می‌شود: ۱. ایدئولوگ یا نظریه پرداز؛ ۲. بسیج گر یا عملیاتی؛ ۳. بنیان گذاری یا مدیریت.

همچنین جنبه‌ی معنوی امام خمینی می‌تواند از دیدگاه‌های مختلفی مورد بررسی



قرار گیرد. امام خمینی به عنوان یک رهبر مذهبی و سیاسی، اهمیت بسیاری به جنبه‌های معنوی و اخلاقی زندگی مردم می‌داد. او معتقد بود که اسلام نه تنها یک دین بلکه یک نظام کامل زندگی است که همه‌ی ابعاد زندگی را پوشش می‌دهد، از جمله اخلاق، عبادت، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی. امام خمینی بر تأکید بر ارزش‌های معنوی مبتنی بر اسلام، اخلاق و عدالت تأکید می‌کرد. وی برای تحقق اهداف انقلاب اسلامی در ایران، به ترویج اصول و ارزش‌های اسلامی و ایجاد جامعه‌ای بر پایه‌ی اخلاق و عدالت توجه داشت. امام خمینی به دنبال برقراری نظامی بر پایه‌ی ولایت فقیه بود که به نظر او می‌توانست زندگی معنوی مردم را تقویت کند و به فرهنگ و ارزش‌های اسلامی پایبندی داشته باشد. از این رو، جنبه‌ی معنوی امام خمینی مرتبط با اهداف و ارزش‌های انقلاب اسلامی و نظام اسلامی مطرح می‌شود.

نکته مهمی که باید در نظر گرفت، این است که رهبری امام خمینی (ره) نه تنها تا زمان پیروزی انقلاب، بلکه پس از آن تا زمان رحلت، اهمیت و اعتبار خود را حفظ کرده است. رهبری ایشان در دوران جنگ تحمیلی هشت ساله و سایر چالش‌های پس از انقلاب، به همان اندازه که قبل از پیروزی انقلاب مهم بود، محسوب می‌شود و هرگز از جایگاه و اعتبار خود در میان مردم کاسته نشده است (افضلی، رسول و همکاران، ۱۴۰۰: ص ۷).

این در حالی است که انقلاب کوبا تحت رهبری فیدل کاسترو بود. وی با این بینش که تاریخ تنها به اندک کسانی روی موافق نشان می‌دهد، خود را ناجی کوبا می‌دانست. در این دوره طبقه کارگر، دهقانان بدون زمین و سایر اقشار جامعه سنتی و مذهبی کوبا مورد استثمار و بهره‌کشی فئودال‌ها، بازرگانان آمریکایی، طبقه سرمایه‌دار و در رأس همه آن‌ها دیکتاتور و اطرافیان او قرار گرفته بودند. طبقه کارگر که اغلب آن‌ها را کارگران مزارع نیشکر و معادن کبالت و نیکل تشکیل می‌داد، هر روز ساعت‌ها به کار طاقت‌فرسا و جان‌فرسا با درآمدی اندک مشغول

بودند و با توجه به شروع و شیوع جنبش‌های کارگری در سراسر جهان، بارها به اعتصاب و اعتراض‌های گسترده دست زدند. اما نبود یک رهبر و یک سازمان قوی کارگری باعث شد که این اعتراض‌ها ره به جایی نبرد. در این شرایط کاسترو فوراً دست به کار شد تا برای ایفای این نقش آماده شود. طی هفت سال، جنبشی را پدید آورد و رهبری کرد. فیدل کاسترو، رائول کاسترو، ارنستو چه‌گوارا و تنی چند از روشنفکران و تحصیل کرده‌های کوبایی که با اندیشه‌های مارکسیسم آشنا شده و آن را پذیرفته بودند، مردم را علیه باتیستا تحریک و تهییج می‌کردند و با آگاهی بخشی سعی داشتند طبقه کارگر و سایر اقشار ملت کوبا را که تحت فشار اقلیت حاکم بودند، تشویق به انقلاب کنند. کاسترو سرانجام باتیستا را سرنگون ساخت و خود در مقام نخست‌وزیری کوبا جای گرفت. همین که وی به قدرت رسید، کوبا را از دموکراسی دور ساخت و در آغوش کمونیسم جا داد. روی هم رفته، اقتصاد کوبا در دوره فیدل کاسترو آسیب دیده بود. به نظر می‌رسد که پیشرفت در عرصه‌های مراقبت‌های بهداشت عمومی، آموزش و کشاورزی تنها دستاوردهای نسبی و عمده او بود. با این حال، او ارتش بزرگی را نگهداری می‌کرد و به تلاش برای صدور انقلابش به دیگر کشورهای جهان سوم ادامه داد. آنچه روشن است، تأثیر عمده‌ای است که کاسترو نه تنها بر کوبا بلکه بر تمام جهان داشته است (رایس، ارل، ۱۳۹۷: ص ۱۲).

۴. استقلال انقلاب اسلامی از عوامل خارجی و اتکا به نیروی مردمی

استقلال انقلاب اسلامی و اتکای آن بر نیروی مردمی، دو عنصر اساسی در موفقیت و پایداری انقلاب اسلامی ایران بوده‌اند.

انقلاب اسلامی به عنوان یک حرکت ملی و مستقل، بدون وابستگی به قدرت‌ها و نهادهای خارجی، برپا شد. این انقلاب بر اساس ارزش‌ها، اهداف و نیازهای مردم ایران بنا شده بود و خود را از هرگونه تسلط و تبعیت از مداخله‌های خارجی مستقل



دانست. این استقلال برای حفظ هویت فرهنگی، سیاسی و مذهبی کشور بسیار مهم بوده و نقش بسزایی در پایداری انقلاب داشته است. انقلاب اسلامی با حضور پرشور مردم ایران و حمایت آن‌ها از رهبری امام خمینی، به موفقیت رسید. این حمایت گسترده مردم، باعث ایجاد فضایی برای تحولات سرنوشت‌ساز در کشور شد و این نیروی مردمی، به عنوان محرک اصلی برای تحولات اجتماعی و سیاسی ایران در دوران انقلاب اسلامی شناخته می‌شود. اتکای انقلاب به نیروی مردمی، نه تنها باعث حفظ استقلال و خودمختاری کشور شد، بلکه اساسی‌ترین عامل در برقراری نظام جمهوری اسلامی ایران به میان آمد.

در مقابل انقلاب کوبا، اگرچه در ابتدا یک حرکت ملی و مستقل بود که بر اصولی از جمله عدالت اجتماعی، انتقاد از استعمار، و حمایت از کشاورزان و طبقه کارگر تأکید داشت. اما پس از پیروزی انقلاب، روابط بین کوبا و شوروی تقویت شد. در ابتدا به دلیل عدم تمایل آمریکا به ارتباطات موثر با کوبا، کاسترو به دنبال پشتیبانی از جمهوری شوروی برای توسعه اقتصادی و نیروهای مسلح خود بود. این همکاری‌ها به ویژه در زمینه اقتصادی و نظامی تقویت شد و کوبا به یکی از آخرین حلقه‌های کمونیستی در جهان تبدیل شد. تا پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی، روابط دو کشور به شدت تحت تأثیر قرار گرفت. با این حال، پس از فروپاشی شوروی و سختی‌های اقتصادی در کوبا، روابط بین دو کشور تضعیف شد. اما در سال‌های اخیر، با دیپلماسی فعال کوبا و ارتباطات با کشورهای دیگر، همکاری‌هایی بین کوبا و روسیه مجدداً تقویت شده است، اگرچه این همکاری‌ها به مراتب کمتر از دوران شوروی است. ایدئولوژی کمونیسم در زادگاه خود فرو پاشید، اما کوبا همچنان بر این مکتب پایبند است. رنگ و بوی سابق را ندارد اما هنوز هست (شفیعی و همکاران، ۱۳۹۰: ص ۶۴۱).

اسلام، دینی آسمانی و الهی با پشتوانه قوی پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) با

رویکرد ظلم ستیز را هیچگاه نمی توان با دیگر مکاتب مقایسه کرد. جایگاه، قوت، عظمت و اقتدار جهان اسلام سال هاست که تأثیر مثبت خود را در جوامع بشری گذاشته به همین خاطر است که دشمنان با خلق فرقه های تکفیری و الحادی سعی دارند تا چهره زیبای اسلام را در ذهن مردم دنیا بد جلوه دهند.

۵. حضور آحاد مردم

انقلاب اسلامی ایران از این جهت، در مقایسه با قیام ها و انقلاب های پیشین و انقلاب های کوچک و بزرگ سایر مناطق دنیا، دو برجستگی و برتری داشته است؛ یکی این که ملی و جوشیده و دربرگیرنده تقریباً کلیه طبقات و صفوف جامعه ایران بوده، برخلاف آنچه بعداً اصرار ورزیده می شود، اختصاصی طبقاتی نبوده و از یک فرد یا یک حزب تحمیل و تلقین نشده است. درحالی که مثلاً در انقلاب کمونیستی روسیه نه چنین مشارکت وسیع داوطلبانه وجود داشته و نه در آن، چنان وحدت کلمه و یکرنگی به لحاظ اهداف و شعارهای اولیه دیده شده است. امتیاز نسبی دیگر انقلاب اسلامی، تحول و تداوم آن می باشد (بازرگان، ۱۳۶۳: ص ۱۱).

اما در انقلاب کوبا، تمامی توده های مردم به مبارزه و فعالیت علیه نظم موجود نپرداخته بودند. تنها طبقات مشخصی از جامعه مثلاً کارگران، ستمدیدگان، دهقانان، دانشجویان و غیره بیشترین نقش را در انقلاب شان ایفا کردند.

۶. عدم سازش و بی پروایی از مقابله با استکبار جهانی

آن طور که جفری گلدبرگ نوشته بود، پیش بینی کاسترو از آینده بحران اتمی ایران این بود که «این مشکل (بحران اتمی ایران) به سمت حل شدن نمی رود؛ چرا که حکومت ایران پروایی از رودررو شدن با تهدیدهای پیش رویش ندارد. حکومت ایران یک تفاوت عمده با حکومت انقلابی کوبا دارد و آن خاصیت مذهبی بودنش است و تجربه نشان داده که پسر رهبران مذهبی کمتر اهل سازش هستند».

در مقابل، به دلایل گوناگون از جمله فشار سیاسی و اقتصادی زیاد بر کوبا، شکست ایدئولوژی و مکتب کمونیست در کوبا، تغییر ظاهری سیاست های آمریکا



در قبال کوبا، توان این کشور در برابر امپراتوری آمریکا کم شد. سیاست تغییر اوباما رئیس جمهور پیشین آمریکا پس از گذشت بیش از ۱۰ سال تازه در یک مورد به نتیجه رسید که آن هم هنوز روشن و قطعی نیست و بستگی به رفتار آمریکا با کوبا دارد. اوباما بسیار تلاش کرد تا بتواند با پایان دوران ریاست جمهوری خود دستاوردهایی را در حوزه سیاست خارجی آمریکا برای دولت خود به ثبت برساند و از خود در تاریخ خاطرات خوشی برای مردم آمریکا به جای بگذارد (شفیعی و همکاران، ۱۳۹۰: ص ۶۳۸).

یکی از آن دستاوردها برای اوباما پایان بیش از ۵۰ سال خصومت کاخ سفید علیه کوبا بود که به ظاهر به آن دست یافته است. او و کاسترو پس از گذشت ۶۰ سال از قطع روابط، نخستین سران دو کشور بودند که با هم دیدار و گفت و گو کردند. برادر فیدل، راثول در این دیدار به عنوان رهبر کوبا با اوباما دیدار کرده بود.

بازگشایی سفارت آمریکا در هاوانا با جشن تولد ۸۹ سالگی فیدل کاسترو رهبر کوبا همزمان بود. هنگامی که پرچم آمریکا در هاوانا به اهتزاز در می آمد، او کیک تولد ۸۹ سالگی خود را خاموش می کرد و برای این که هنوز نشان دهد ضد امپریالیست و ضد آمریکاست مقاله ای ضد آمریکایی نوشت. کاستروی ۸۹ ساله در مقاله اش که در رسانه های جمعی کوبا انتشار یافت اشاره ای به مرحله تازه روابط هاوانا و واشنگتن و سفر جان کری به هاوانا نکرد. اما در مقاله خود نوشت، پس از جنگ جهانی دوم و بمباران اتمی ژاپن، آمریکا تبدیل به کشوری شد که اکثر ثروت جهان را در اختیار داشت در حالی که در پس زمینه آن جهانی نابود شده مملو از کشته ها زخمی ها و مردم گرسنه وجود داشت. فیدل نوشت؛ کوبا هرگز مبارزه برای صلح و موفقیت همه مردم صرف نظر از رنگ پوست و کشور آنها را متوقف نخواهد کرد. انقلابیان کوبا برای همه شهروندان جهان آرزوی حقوق برابر بهداشت و درمان، آموزش، کار، غذا، امنیت، فرهنگ، دانش و رفاه را دارد.

بنابراین با توجه به شکاف عمیقی که بین این دو انقلاب بر سر ایدئولوژی و استقلال یا وابستگی به بلوک شرق وجود دارد، نباید اتفاقاتی نظیر بهبودی روابط کوبا با آمریکا در سال‌های اخیر را برای ایران نیز پیش‌بینی کرد. با حضور جان کری، وزیر امور خارجه آمریکا، در مراسم بازگشایی سفارتخانه آمریکا در هاوانا، او این لحظه را به عنوان یک مرحله تاریخی مهم توصیف کرد. اما باید توجه داشت که این نوع تاریخ‌نگاری برای روابط ایران و آمریکا، ممکن است معتبر نباشد. آینده این دو کشور نمی‌تواند بر اساس مواقع مشابهی که بین کوبا و آمریکا رخ داده است، پیش‌بینی شود. این اظهارات به نوعی غیرقابل پیش‌بینی است. تضاد عمیق اعتقادی میان دو تفکر غربی و شرقی که یکی نشأت گرفته از ظلم، زور، استثمار و سرکوب و جنایت است و دیگری نشأت گرفته از دستورات الهی، پیامبر اعظم و امامان معصوم اجازه نمی‌دهد، میان این دو جمع حاصل شود.

۷. سطح تأثیرات

انقلاب اسلامی ایران تأثیرات گسترده‌ای بر منطقه و جهان داشته است، در حالی که انقلاب کوبا تأثیرات کمتری را در مقیاس بین‌المللی داشته است. ایران اسلامی در منطقه‌ای حساس، سرنوشت ساز و استراتژیک قرار دارد که حوزه نفوذ آن و عمق استراتژیک جمهوری اسلامی بسیار فراتر از مرزهایش قرار دارد. وسعت، امکانات وسیع، نیروی انسانی خلاق، مردمی پایبند به آرمان‌های انقلاب اسلامی، توانمندی‌های علمی، دفاعی و نظامی و بسیاری ویژگی‌های دیگر، جمهوری اسلامی ایران را از همه مکاتب و ایدئولوژی‌های دنیای متمایز کرده است (جوانپور هروی و همکاران، ۱۳۹۹: ص ۳۰).



نتیجه گیری

به طور خلاصه، می توان گفت که شباهت ها و تفاوت هایی بین انقلاب اسلامی ایران و انقلاب کوبا وجود دارد. این دو انقلاب هر دو به عنوان جنبش هایی که بر ضد استعمار و تأثیرات سیاسی و اقتصادی خارجی در کشورهای خود بودند، شناخته می شوند. هر دو انقلاب با فشارهای بیگانگان به ویژه ایالات متحده آمریکا روبرو شدند. هر دو انقلاب آرمان ضد دیکتاتوری داشته و در صادرات این آرمان به دیگر کشورها در تلاش هستند. تفاوت های موجود بین انقلاب اسلامی ایران و انقلاب کوبا باعث می شود که این دو رویداد را نتوان به طور کامل با یکدیگر مقایسه کرد یا آن ها را به طور کامل تطبیق داد. این تفاوت ها در موضوعاتی مانند علل وقوع، ایدئولوژی، شخصیت رهبری، استقلال و اتکاء به نیروی مردمی یا عوامل خارجی، میزان حضور مردم، بی پروایی یا ترس از مقابله با سیاست های استعماری ایالت متحده آمریکا و سطح گستره تأثیرات انقلاب در جهان وجود دارد.

فهرست منابع

۱. رایس، ارل، انقلاب کوبا، ترجمه مهدی حقیقت خواه، تهران: انتشارات ققنوس، چاپ پنجم، ۱۳۹۷ش
۲. رهنما، مجید، مسائل کشورهای آسیایی و آفریقایی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۵۰ش
۳. زیباکلام، صادق، یادداشت های انقلاب، چاپ اول، تهران: انتشارات روزنه، ۱۳۸۸ش
۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم، نشر هجرت، ۱۴۰۹ق
۵. کاظمی، یادداشت های انقلاب، چاپ اول، تهران: انتشارات روزنه، ۱۳۸۸ش
۶. محمدی؛ قربانی گلشن آباد، بررسی اجمالی نهضت های اسلامی در صد سال اخیر، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۹ش



۷. افضلی، رسول؛ کامران، حسن؛ عابدی شجاع، فرزاد، مجله تحلیل گفتمان مدیریت سیاسی فضا در کشور کوبا پس از انقلاب ۱۹۵۹، فصلنامه جغرافیا، دوره نوزدهم، شماره ۶۹، ۱۴۰۰ش
۸. جوانپور هروی، عزیز؛ موسوی، سید محمدرضا؛ علیپور، امیرمهدی، نشریه پژوهش‌های راهبردی انقلاب اسلامی، شماره ۹، ۱۳۹۹ش
۹. حشمت زاده، محمداقبر، بازتاب انقلاب اسلامی در کشورهای مسلمان، نشریه چشم انداز ارتباطات فرهنگی، بهمن و اسفند، شماره ۱۴، ۱۳۸۳ش
۱۰. شجاعی‌زند، علیرضا، نقش و عملکرد دین در «وضعیت انقلابی» بررسی تطبیقی انقلاب فرانسه و ایران، نشریه جامعه‌شناسی ایران، دوره پنجم، شماره ۳، ۱۳۸۳ش
۱۱. شجاعی‌زند، علیرضا، رهبری دینی در نهضت و در نظام، پژوهشنامه متین، سال بیست و یکم، شماره ۸۵، ۱۳۹۸ش
۱۲. شفیعی، زهرا؛ یزدانی، محمدرضا، مقایسه تطبیقی سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران و کوبا در دوران جنگ سرد، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و پنجم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۰ش، صص ۶۳۶-۶۵۶
۱۳. علیزاده سوده، فرشته، انقلاب کبیر فرانسه علل و نتایج، نشریه رشد آموزش تاریخ، شماره ۳۸، ۱۳۸۹ش
۱۴. موسوی، سیدصدرالدین؛ درودی، مسعود و اسلانی کتولی، انسیه، نگرشی گفتمانی به مشارکت زنان در انقلاب اسلامی. نشریه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال دوم، شماره ۶، ۱۳۹۲ش
۱۵. هراتی، محمدجواد؛ هنری لطیف‌پور، یدالله و حجازی، سیدمحمدکاظم، عاشورا و تحولات اجتماعی ایران عصر انقلاب اسلامی، نشریه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۲، ۱۳۹۱ش.

